



بررسی و حل مشکل ناتوانی‌های یادگیری دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری

اسلام بصری^۱، محمد مزارعی^۲، محمد بشیری فرد^۳، محمد سلوکی^۴

۱- کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید بهشتی بندرعباس

۲- کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید بهشتی بندرعباس

۳- کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید بهشتی بندرعباس

۴- کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید بهشتی بندرعباس

ee110377@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و حل مشکل ناتوانی‌های یادگیری دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری انجام شد. تایج تحقیقات نشان می‌دهند که استفاده از روش‌های آموزشی مبتنی بر بازخورد مثبت، تحلیل رفتار، آموزش مستقیم و تدریس گروهی می‌تواند بهبود قابل توجهی در عملکرد و یادگیری این کودکان داشته باشد. همچنین، استفاده از فناوری‌های آموزشی مانند بازی‌های رایانه‌ای و نرم‌افزارهای آموزشی نیز می‌تواند مفید باشد. علاوه بر این، برخی عوامل مانند سن، نوع کم‌توانی و سطح توانایی هر کودک نیز باید در تعیین روش‌های آموزشی مناسب برای آنها در نظر گرفته شود. برای جمع‌آوری اطلاعات، علاوه بر این که از منابع متعددی استفاده شده است روش‌های مختلفی نیز برای این کار وجود داشته که با توجه به نوع و هدف تحقیق، موضوع مورد تحقیق و خصوصیات جامعه آماری از کارایی مناسب برخوردار می‌باشد. در نتیجه، استفاده از روش‌های آموزشی مناسب و تنظیم شده برای هر کودک می‌تواند بهبود قابل توجهی در عملکرد و یادگیری آنها داشته باشد. این مقاله می‌تواند به عنوان راهنمایی برای معلمان و مشاوران آموزشی در تدوین برنامه‌های آموزشی مناسب برای کودکان دارای اختلال یادگیری استفاده شود.

کلمات کلیدی: اختلالات یادگیری، ناتوانی یادگیری، دانش‌آموزان، مدارس، کودکان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

تعریف اختلالات یادگیری

اختلال یادگیری یکی از مشکلات شایع در کودکان است که می‌تواند تأثیرات جدی بر روی عملکرد تحصیلی و روانی آنها داشته باشد. با توجه به اینکه هر کودک دارای نیازهای آموزشی و یادگیری خاص خود است، برنامه‌های آموزشی مناسب و تنظیم شده برای هر کودک بسیار مهم است. در این مقاله، به بررسی روش‌های آموزشی مناسب برای کودکان دارای اختلال یادگیری پرداخته می‌شود. در این راستا، نتایج تحقیقات و مطالعات مختلف درباره روش‌های آموزشی موثر برای این کودکان بررسی شده و نکات مهم در تدوین برنامه‌های آموزشی مناسب برای آنها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. اصطلاح اختلالات یادگیری از نیاز به تشخیص و خدمت به دانش‌آموزانی برخاسته است که به طور مداوم در کارهای درسی خود با شکست مواجه می‌شوند و در عین حال در چهارچوب سنتی کودکان استثنایی نمی‌گنجد. انجمن مخصوص کودکان و بزرگسالان مبتلا به ناتوانیهای یادگیری تعریف دیگری را ارائه داده است، این تعریف معتقد است که ناتوانیهای یادگیری ریشه نورولوژیک دارد و وجه تمایز این تعریف آن است که وسعت حوزه‌هایی که تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند، وسیع‌تر می‌کند و آن را به چیزی غیر از دروس نیز گوش می‌دهد. تعریف چنین است:

«ناتوانی‌های یادگیری ویژه، حالتی مزمن است که منشأ نورولوژیک دارد و به صورت انتخابی در کار رشد و یا ابزار مهارتهای کلامی و غیر کلامی دخالت می‌کند. این اختلال ممکن است در افرادی که دارای هوش متوسط یا بالا و کسانی که سیستمهای حسی و حرکتی‌شان به طور کافی درست کار می‌کند و اشخاصی که از فرصت‌های یادگیری به اندازه کافی استفاده می‌کنند نیز تظاهر کند. ناتوانی‌های یادگیری از نظر نوع تظاهرات و میزان رشد فرد می‌تواند متفاوت باشد. این حالت ممکن است در سراسر زندگی در عزت نفس، تحصیلات، شغل، ارتباط با دیگران و فعالیت‌های روزمره فرد، تأثیر منفی بگذارد». (دانیل پی و کافن، جوادیان، ۱۳۷۵)

در سال ۱۹۸۱ کمیته مشترک ملی برای ناتوانیهای یادگیری (njcld)، مرکب از: نمایندگان انجمن گویایی و شنوایی آمریکا، جامعه کودکان و بزرگسالان مبتلا به ناتوانیهای یادگیری، شورای مخصوص ناتوانیهای یادگیری، بخش مربوط به کودکانی که دچار اختلالات ارتباطی هستند، انجمن بین‌المللی خواندن، انجمن دیسلکی مشترکاً تعریفی ارائه داده‌اند که چنین است: «ناتوانی‌های یادگیری یک اصطلاح کلی است که به علت گروهی از بی‌نظمی‌های نامتجانس به وجود می‌آید. این حالت ممکن است به صورت اشکالات مهمی در اعمالی نظیر: گوش دادن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، استدلال کردن یا حساب کردن تظاهر نماید. اکثر این بی‌نظمی‌ها جنبه ذاتی دارند و به نظر می‌رسد که معلول بدکاری سیستم اعصاب مرکزی باشند. حتی با وجود اینکه ناتوانی یادگیری ممکن است همراه با سایر شرایط معلولیت رخ دهد و یا تأثیرات منفی محیطی مانند تفاوت‌های فرهنگی، آموزش نامناسب و کافی را در برداشته باشد.» (دانیل پی و کافن، جوادیان، ۱۳۷۵)

تعریف دیگری که در این جا ارائه می‌شود به نقل از کنگره آمریکا طبق قانون عمومی ۱۴۲-۹۴ است، تعریف چنین است: «ناتوانی‌های یادگیری به معنای وجود اختلالی در یک یا چند فرآیند روان‌شناختی پایه بوده که به فهم یا استفاده از زبان نوشتاری و یا گفتاری مربوط می‌شود و می‌تواند به شکل عدم توانایی کامل در گوش کردن، فکر کردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن و هجی کردن یا انجام محاسبات ریاضی ظاهر شود.» (ایلوارد و براون، برداری، ۱۳۷۷)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

روش تحقیق

روش و ابزار گردآوری اطلاعات

برای جمع آوری اطلاعات، علاوه بر این که از منابع متعددی استفاده شده است روش‌های مختلفی نیز برای این کار وجود داشته که با توجه به نوع و هدف تحقیق، موضوع مورد تحقیق و خصوصیات جامعه آماری از کارایی مناسب برخوردار می‌باشد.

مطالعات کتابخانه‌ای

در این قسمت جهت گردآوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری و ادبیات تحقیق موضوع، از منابع کتابخانه‌ای، مقالات، کتاب‌های مورد نیاز و نیز از شبکه جهانی اطلاعات (اینترنت) و تجربه و تخصص محقق استفاده شده است.

منبع کنترل

اطمینان پایین به خودکارآمدی، اغلب با آنچه که در روانشناسی منبع کنترل بیرونی نامیده می‌شود، همراه است. برای توضیح مفهوم منبع کنترل، لازم است بدانیم که افراد برای آنچه که در یک موقعیت خاص تجربه می‌کنند، به عوامل درونی (به عنوان مثال توانایی خود، استعدادها، تلاش و یا اقدام) و یا عوامل بیرونی (مثل بخت و اقبال، شانس، چیزی که خارج از کنترل آنهاست) نسبت می‌دهند. کودکان دارای کنترل درونی، می‌دانند که می‌توانند اتفاقات را با اعمال خودشان تغییر دهند و باور دارند که تا اندازه‌ای بر آنچه که برای آنها رخ می‌دهد کنترل دارند. درک این واقعیت که پیامدها تحت کنترل شخصی فرد هستند مؤلفه‌های کلیدی از احساس خودکارآمدی است (پاجارس و آوردن، ۲۰۰۶). مثالی از درونی بودن در بافت کلاسی، این است که دانش آموزان تشخیص می‌دهند در صورتی که با دقت گوش دهند، سؤال کنند، با دقت کار کنند و تمرکز نمایند، نتایج بسیار بهتری به دست می‌آورند. نظریه‌ی اسناد اظهار می‌دارد که اگر کودکان موفقیت یا شکستشان را به جای عواملی که تا اندازه‌ای می‌توانند کنترل کنند (مانند میزان تلاشی که می‌کنند یا استفاده بهتر از راهبردهای شناختی به نیروهایی که هیچ کنترلی بر آنها ندارند (مانند توانایی ذاتی خود) اسناد دهند، برای پایداری در یادگیری برانگیخته نمی‌شوند. در شرایط عادی، منبع کنترل درونی به طور پیوسته با بالا رفتن سن افزایش می‌یابد. لیکن مشخص شده است که بسیاری از دانش آموزان مبتلا به مشکلات یادگیری و دارای تجارب منفی از مدرسه، در ارتباط با یادگیری در مدرسه به طور قابل ملاحظه‌ای دارای منبع کنترل بیرونی هستند. آن‌ها بر این باورند که تلاش‌هایشان در انجام تکالیف مدرسه تأثیر کمی در پیشرفت آنها دارد، و این که چه اتفاقی برای آنها می‌افتد به اعمالشان ارتباطی ندارد (بندر، ۲۰۰۴؛ مک کوئن، ۱۹۹۸). در صورتی که دانش آموزان شکست‌ها و سرخوردگی‌های اولیه را تجربه کنند، اعتماد مثبت آنها نسبت به توانایی‌های خودشان به سرعت از بین می‌رود. استنتاج علی گذشته دانش آموزان دربارهی شکست‌ها و موفقیت‌هایشان از مهم‌ترین تعیین کننده‌های پیشرفت و انگیزش بعدی است. دانش آموزی که تا اندازه زیادی منبع کنترل بیرونی داشته باشد، آماده اداره و کنترل شدن توسط دیگران، از جمله معلم، دستیار معلم، و یا همسالان توانمند خود، است. در مورد کودکی که احساس ناکافی دارد یک دور باطل وجود دارد، و برای خطر کردن آماده نیست، به نظر می‌رسد نیاز به حمایت اضافی دارد، و به این ترتیب وابستگی بیشتری به دیگران ایجاد می‌شود. به واسطه فراهم آوردن حمایت‌های زیاد، ظهور درماندگی آموخته شده را تقویت می‌کنیم. وظیفه معلم این است که این چرخه را بشکند و به دانش آموز کمک کند تا تشخیص دهد چقدر می‌تواند بر رویدادها کنترل داشته باشد و بر نتایج تأثیر بگذارد (گالبریت و الکساندر، ۲۰۰۵). برای یک دستیار معلم طبیعی است که بگوید می‌خواهد به دانش آموز مبتلا به مشکلات یادگیری کمک کند اما این کمک و حمایت نباید به اندازه‌ای باشد که کاملاً چالش و احتمال شکست از بین برود (فاکس، ۲۰۰۳). شکست باید قابل پیش بینی باشد و هنگامی که رخ می‌دهد باید به کودکان کمک کرد تا رابطه علت و معلولی بین



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تلاش‌های خودشان و نتایج را بفهمند. قبول شکست‌های گاه به گاه و نسبت دادن آن شکست به علت درست، بخشی ضروری از یادگیری است (سلیگمن، ۱۹۹۵). همین که دانش آموزان بفهمند اشتباهاتشان اغلب به سادگی رخ می‌دهند چرا که به اندازه کافی تلاش نکرده‌اند، و یا مراقبت کافی دریافت نکرده‌اند، برداشتشان از ناتوانی کاهش می‌یابد. دانش آموزانی که منبع کنترلشان بیشتر درونی است و بسیار بیشتر در تکالیف یادگیری درگیر می‌شوند، تشخیص می‌دهند که با تلاش و پایداری می‌توانند بر شکست غلبه کنند. یکی از منابع مهم انگیزش درونی مورد نیاز برای دانش آموزان خودکارآمدی است لنکستر، (۲۰۰۵).

منبع کنترل بیرونی می‌تواند تأثیر منفی بر میل دانش آموزان برای مواجهه با تکلیف دشوار، داشته باشد. در صورتی که انتظار شکست بالا باشد رها کردن و تغییر راهبردهای اجتنابی به جای مواجهه، ساده‌تر است. در رویکرد آموزشی موسوم به باز آموزی استاد (مکانترتری و مکانترری، ۲۰۰۶)، به دانش آموزان آموخته می‌شود هنگامی که یک تکلیف به اتمام رسید به دقت نتایج تلاش‌های خود را ارزیابی کنند. به آنها آموخته می‌شود که نتایج خود را با صدای بلند بیان کنند: «آن کار را به خوبی انجام دادم، زیرا فرصت داشتم و دو بار سؤالات را خواندم.» «بادقت گوش کردم و از خودم سوالاتی پرسیدم.» یا «جواب آن مسئله را پیدا نکردم، زیرا مثالی را که در کتاب بود، بررسی نکرده بودم. حالا می‌توانم آن را انجام دهم. آسان است!» هدف اصلی در وادار کردن دانش آموزان به بیان کردن این عبارات اسنادی با صدای بلند این است که به تغییر درکشان از دلایل موفقیت یا شکست در تکالیف مدرسه، کمک کنند. این روش بیان آشکار کمک می‌کند توجه خود را بر روابط واقعی بین تلاش و نتایج مشاهده شده متمرکز کنند. به نظر می‌رسد در اغلب موارد، هنگامی که باز آموزی اسناد با آموزش مستقیم راهبردهای مؤثری که برای انجام تکالیف خاص ضروری است، ترکیب شود ارزش فوق العاده ای دارد.

درماندگی آموخته شده عزت نفس پایین، خودکارآمدی پایین، احساس ضعیف خود ارزشمندی، و منبع کنترل بیرونی، همه نمونه‌های بارزی از حالات عاطفی‌ای هستند که درماندگی آموخته شده نامیده می‌شود. به نظر می‌رسد که دانش آموزان مبتلا به مشکلات یادگیری به علت پیشرفت تحصیلی پایین به طور خاص مستعد درماندگی آموخته شده باشند. آن‌ها در ابتدا فرض می‌کنند که هر چیزی که یک معلم از آن‌ها می‌خواهد انجام دهند بیش از اندازه دشوار خواهد بود و منجر به شکست خواهد شد. این باعث ایجاد مانعی جدی برای یادگیری بعدی می‌شود (والز، ۲۰۰۱). امروز (۲۰۰۵) بر اساس کار چند پژوهشگر دیگر در این زمینه، اظهار می‌کند که دانش آموزان مبتلا به درماندگی آموخته شده ویژگیهای ذیل را نشان می‌دهند:

۱. عدم اعتماد به نفس،
۲. تمایل به تنظیم اهداف آسان برای خود و مقاومت در برابر چالش،
۳. رفتار اجتنابی،
۴. کاهش تلاش،
۵. تمرکز ضعیف،
۶. توصیف خود به عنوان شکست خورده،
۷. هنگامی که با مشکل مواجه می‌شوند به آسانی رها می‌کنند،
۸. دست کم گرفتن توانایی خود،
۹. شکست در به رسمیت شناختن موفقیت‌های خود.

هنگامی که یک دانش آموز، مبتلا به درماندگی آموخته شده است، برای معلمان بسیار دشوار است که سعی کنند این فرایند را تغییر دهند. امروز اشاره می‌کند که بسیاری از راهبردهای توصیه شده برای بالا بردن عزت نفس و خودکارآمدی (بویژه بازخورد توصیفی، بحث در مورد دلایل شکست و موفقیت، ارزش نهادن به نقاط قوت دانش آموزان) ممکن است به دانش آموزان برای تغییر جهت گیری کمک نماید. باز آموزی اسناد، همان طور که در بالا شرح داده شد، نیز لازم است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

انگیزش

معلمان اغلب مشکلات یادگیری دانش آموزان را در فقدان انگیزش می‌دانند و آنها را سرزنش می‌کنند. به نظر می‌رسد معلمان به جای این که انگیزش را خصیصه‌های قابل تغییر بدانند که عوامل بیرونی بر آن تأثیر گذار است، آن را خصیصه‌های ثابت و ذاتی یادگیرنده‌ها می‌دانند. قطعاً مشکل بسیاری از دانش آموزان مبتلا به مشکلات یادگیری، عدم انگیزش ذاتی نیست بلکه بی میلی مشخصی برای خطر کردن با ایجاد تعهد جدیدی در موقعیت یادگیری است. این بی میلی ناشی از تجارب قبلی شکست است. مشکلات در یادگیری به طور قابل توجهی انگیزش دانش آموز را کاهش می‌دهد، زیرا حفظ علاقه دشوار است و در صورتی که نتیجه رضایت بخش نباشد تلاش زیادی برای یادگیری باید انجام داد. در زمینه‌های کلاس درس، انگیزش توسط عوامل ذیل کاهش یافته است:

۱. تکالیف بی ربط و یا خسته کننده،
 ۲. اضافه بار اطلاعات،
 ۳. عدم تنوع در روش تدریس،
 ۴. تقویت منفی و انتقاد،
 ۵. عدم موفقیت.
 ۶. در مقابل، عوامل زیر برای به حداکثر رساندن انگیزه کمک می‌نمایند
 ۷. تکالیف جالبی که سطح شایسته‌ای از چالش را پیش بیاورد،
 ۸. فعالیت‌هایی که لذت، رضایت و موفقیت را به همراه دارد،
 ۹. تقویت اجتماعی به شکل بازخورد مثبت از دیگران،
 ۱۰. مالکیت و مسئولیت برای یک تکلیف
 ۱۱. آزادی انتخاب و تصمیم گیری در مورد اینکه چه کار باید کند و چگونه انجام دهد.
- معلمان باید برای بازیابی علاقه و انگیزش دانش آموزان نکات بالا را در نظر بگیرند. بخش بزرگی از غلبه بر مشکلات یادگیری بر افزایش انگیزه یادگیری دانش آموزان وابسته است. در حالی که انگیزش اگر درونی باشد (یعنی در ارتباط با تلاش برای انجام تکلیف به خاطر علاقه و ارزش ایده آل است، اما بیشتر احتمال دارد در مراحل اولیه کار با دانش آموزان مبتلا به مشکلات یادگیری، انگیزش شکل بیرونی (به شکل مشوقها و پاداش‌ها) داشته باشد. روانشناسان به مطالعه متغیرهایی علاقه مند هستند که سبب می‌شود افراد به شیوه‌های معینی فکر و عمل کنند. آن‌ها علل احتمالی را ناشی از انتخاب فعالیت توسط فرد، پشتکار فرد در انجام فعالیت، واکنش‌های آنها به هنگام مواجهه با مشکلات، و افکار آنها در مورد خودشان به عنوان یادگیرنده، می‌دانند. اتکینسون (۱۹۶۶) آنچه را که اکنون نظریه‌ی انتظار ارزش نامیده می‌شود را مطرح نمود. این نظریه بیان می‌کند، برای اینکه دانش آموزان تمایل داشته باشند برای انجام کاری فعالیت کنند، باید آن فعالیت و نتیجه آن برای یادگیرنده مناسب و ارزشمند باشد و یادگیرنده بایستی باور کند که وی در صورتی که تلاش کند، موفق خواهد شد. در صورتی که یادگیرنده درباره موفقیت احساس اطمینان نکند یا در صورتی که تکلیف ارزشمند نباشد، تلاش بسیار کمی می‌کند و پیشرفت کمی را می‌توان انتظار داشت.

لیکن درست است که برخی افراد مبتلا به مشکلات یادگیری به طور قابل ملاحظه‌ای نسبت به چنین استرس و اضطرابی مقاومت نشان می‌دهند، با مشکلاتشان به خوبی کنار می‌آیند و در سلامت روانی مناسب باقی می‌مانند. برایان د (۲۰۰۳) اظهار



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

می‌کند اگر شناسایی مواضع و یا عوامل خاصی که باعث می‌شود برخی افراد به سختی و گرفتاری عکس العمل نشان دهند، ممکن باشد، شاید بتوان موقعیت مشابه در دیگران ایجاد کرد. در همین حال، برای بسیاری از دانش آموزان مبتلا به مشکلات یادگیری شدید، ضروری است که راههای مؤثر برای کنترل استرس، غلبه بر مشکلات و یادگیرنده‌ی فعال باقی ماندن یاد داده شود (فیرث، ۲۰۰۶؛ فیرث و همکاران، ۲۰۰۷). پیام اصلی این فصل این است که ما باید بیشتر از همیشه نسبت به احساسات، هیجان‌ها، باورها، و اسنادهای دانش آموزانی که می‌خواهیم به آنها کمک کنیم حساس باشیم. علاوه بر کمک به آنها برای کسب دانش و مهارت‌های ضروری، باید به آنها کمک کنیم نگرشها و باورهای منفی خود را که ممکن است پنهان کنند منعکس و اصلاح نمایند. این مؤلفه مشاوره‌ای و درمانی مداخله مؤثر است و نباید نادیده گرفته شود. تا زمانی که ما واقعاً پیامدهای عاطفی شکست یادگیری را درک نکنیم، اقدامات ما برای جلوگیری از وقوع چنین رخداد‌های آسیب زایی برای دانش آموزان همیشه ناکافی و ناکارآمد خواهد بود (مک کیسوک دی، ۲۰۰۱).

پیوندهایی برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد عوامل مؤثر برای مروری درباره‌ی مشکلات مرتبط با مشکل استرس و اضطراب مشکلات یادگیری علاوه بر اثرات منفی‌ای که بر عزت نفس، خودکارآمدی و انگیزش دارد، می‌تواند علت اصلی اضطراب و تنیدگی در دانش آموزان باشد (فیرث، ۲۰۰۶؛ هیمان، ۲۰۰۱؛ زوندنس، ۲۰۰۳). در موارد شدید، نتیجه به این صورت است که فرد نشانه‌هایی از افسردگی حاد و انزوا را نشان می‌دهد (سایدردیس ل، ۲۰۰۷؛ زفیریدیس و همکاران، ۲۰۰۵). در واقع، افسردگی در میان دانش آموزان مبتلا به مشکلات یادگیری نسبتاً شایع گزارش شده است (و بر ط و همکاران، ۲۰۰۲) اضطراب و افسردگی حالتی هستند که به طور جدی به توانایی فرد برای توجه و تمرکز در موقعیت‌های یادگیری، آسیب می‌زند و در نتیجه با مشکل اصلی یادگیری ترکیب می‌شود.

ویژگی‌های کودکان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری

در بررسی ویژگی‌های کودکان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری باید به این امر توجه کنیم که میزان شباهت‌های این کودکان با کودکان عادی بسیار بیش از میزان تفاوت‌های آن‌ها با این کودکان است. بنابراین در بررسی ویژگی‌های کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری باید به دنبال توصیف برخی از ویژگی‌های خاص بود. ضمناً باید به این نکته نیز توجه کرد که مبتلایان به ناتوانی یادگیری معمولاً در زمینه‌ای دچار مشکل هستند که این مشکل در یادگیری تحصیلی جلوه می‌کند. ریاضیات، خواندن، بیان نوشتاری و ... زمینه‌هایی هستند که به عنوان محل ظهور ناتوانی یادگیری تلقی می‌گردند. (حاج بابایی، دهقانی، ۱۳۷۲) که در فصل انواع ناتوانی‌های یادگیری مفصل توضیح داده خواهد شد.

در این قسمت مروری مختصر درباره‌ی ویژگی‌های اختلالات یادگیری خواهیم داشت که به شرح زیر می‌باشد.

الف) دشواری یادگیری تحصیلی: دشواری‌های تحصیلی پذیرفته‌ترین ویژگی‌های افراد دارای ناتوانی‌های یادگیری هستند. از جمله ویژگی‌های ذکر شده در معیارهای تشخیص ۱۹۷۷ مهارت‌های خواندن پایه، درک مطلب خواندنی، بیان نوشتاری، محاسبات ریاضی و استدلال ریاضی است.

ب) اختلالات زبانی: مشکلات زبانی، مانند دشواری‌های خواندن و ریاضی بر حسب جزء اختلاف تعبیر و تفسیر می‌شوند. به ویژه در مقررات تعریف ۱۹۷۷ مهارت‌های ناقص در بیان شفاهی و درک مطلب شنیداری ذکر شده است.

مارج^۱ تخمین می‌زند که ۵۰ درصد از افراد دارای اختلال یادگیری نارسایی‌هایی در زبان دارند.

ج) اختلالات ادراکی: اختلالات ادراکی (ناتوانی در تشخیص، تمیز دادن، تعبیر و تفسیر حس) به ویژه اختلالات دیداری و شنیداری به طور سنتی توجه فراوان چندین صاحب‌نظر در حوزه اختلالات یادگیری را به خود جلب کرده‌اند برخی از اصطلاحات رایج در این حوزه عبارتند از دریافت دیداری، حافظه دیداری، تمیز شنیداری، حافظه شنیداری و یکپارچه‌سازی بین حواس.

^۱ marge



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

د) مشکلات اجتماعی - هیجانی (عاطفی): بسیاری از دانش آموزان دارای اختلال یادگیری به علت ناکامی ناشی از دشواریهای یادگیری خود، اعمالی از هم گسیخته دارند و در آنها نوعی احساس خود ارزشمندی منفی ایجاد می شود. آنان به جای آموختن و کسب نگرشهایی درباره تکالیفی که می توانند انجام دهند اغلب به آموختن آنچه که نمی توانند انجام دهند توجه می کنند و این باعث ایجاد عزت نفس ضعیفی در آنها می شود. این کودکان علت شکستهای متوالی، اغلب باورهای مربوط به پیشرفت ناسازگارانه پیدا می کنند که به نوبه خود مشکلاتی ایجاد می کنند که فراتر از اختلالات اصلی هستند. ه) مشکلات حافظه ای: دانش آموزان دارای اختلالات یادگیری معمولاً در به خاطر سپردن محرکهای شنیداری و دیداری مشکل دارند و این دانش آموزان نارسایی های بارزی در حافظه فعال (کوتاه مدت) نشان می دهند. (کریمی، ۱۳۸۰)

به نظر نیلسن ویژگیهای زیر ممکن است در رفتار دانش آموزان با اختلالات یادگیری پدیدار گردد:

- ۱) استفاده ناشیانه از مداد و قیچی
- ۲) حواس پرتی
- ۳) فزون کنشی
- ۴) مشکلات هماهنگی ادراکی
- ۵) فقدان مهارتهای سازمانی
- ۶) کم تحملی در مقابل ناکامی و شکست
- ۷) وجود مشکل در روابط اجتماعی
- ۸) وجود مشکلات در شروع و اتمام تکالیف
- ۹) حرمت خود پایین
- ۱۰) وجود مشکلاتی در روابط اجتماعی
- ۱۱) وجود مشکلات در شروع و اتمام تکالیف
- ۱۲) وجود نقص در حافظه توالی شنیداری
- ۱۳) وجود نقص در حافظه توالی دیداری
- ۱۴) اختلال کارکرد سیستم عصبی
- ۱۵) عملکرد ناهماهنگ و غیرقابل پیش بینی در یک آزمون
- ۱۶) وجود مشکلات پردازش شنیداری
- ۱۷) وجود مشکلات هماهنگی بصری - حرکتی
- ۱۸) نقص در توجه (براتلند، افروز و میرنسب، ۱۳۷۹)

وست وود در کتاب خود برخی از ویژگیهای کودکان دچار ناتوانی یادگیری را این چنین بر شمرده است:

- ۱) سابقه تأخیر در رشد گویایی
- ۲) مشکلات ادراک بینایی (واژگون سازی فراوان حروف به اعداد به شکل تجسمات نامشخص یا مخدوش کلمات)
- ۳) مشکلات ادراک شنوایی (از جمله، اختلالاتی در شناسایی صداهای درون کلمات و ترکیب اصوات به صورت کلمه)
- ۴) ضعف یکپارچه سازی حسی اطلاعات (برای مثال، کودک نمی تواند به آسانی نشانه های چاپی و الفظی مربوط به آنها را به هم ربط دهد و به خاطر بیاورد.)
- ۵) ضعف در جانبی سازی (برای مثال، رشد نیافتگی برتری چشم و دست، اختلال در جهت گزینی حسی)
- ۶) بعضی از نشانه های معلولیت عصبی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

(۷) فزون کنشی

(۸) مهارت‌های ضعیف در ردیف کردن (به گونه‌ای که هنگام ردیف کردن حروف در هم، هنگام هجی کردن و یا هنگام پرداختن به کلمات در بیان بروز می‌کند).

(۹) ضعف در همکاری متقابل

(۱۰) سطح پایین انگیزش

(۱۱) مشکلات هیجانی ثانویه به شکست‌های یادگیری و پیشرفت ناچیز تحصیلی. (کریمی، ۱۳۸۰)

انواع ناتوانی‌های یادگیری

اختلال‌ها و ناتوانی‌هایی که به طور معمول در دوره کودکی و نوجوانی رایج هستند و تشخیص داده می‌شوند، عبارتند از: اختلال‌های یادگیری، اختلال‌های ارتباطی، اختلال‌های رشد زبان و گفتار، اختلال‌های دفع، اختلال‌های حرکتی و نظایر آن، در میان اختلال‌های یادشده، در دوره ابتدایی اختلال‌های یادگیری یا به بیان درست‌تر ناتوانی‌های یادگیری بیشتر بروز و ظهور پیدا می‌کنند و اغلب با اختلال نارسایی در توجه، بیش‌فعالی و رفتارهای تکانشی همراه است. همان‌طور که ذکر شد زمینه‌های آسیب‌زایی هر گونه اختلال یا ناتوانی از بدو انعقاد نطفه و ازدوران جنینی شروع می‌شود. (استادان طرح جامع آموزش خانواده، ۱۳۷۸) در این جا ناتوانی در خواندن، هجی کردن، نوشتن و حساب کردن مورد بحث قرار می‌گیرد.

(الف) ناتوانی در خواندن: (دیسلکسی)

«بارزترین شکل ناتوانی یادگیری، بدون تردید دیسلکسی است. به نظر می‌رسد که این نوع مشکل یادگیری فقط یک درصد از جمعیت دانش آموزان را در برمی‌گیرد. اغلب این مشکل را اختلالی می‌دانند که به صورت ناتوانی در یادگیری خواندن، با وجود آموزش‌های مرسوم، هوش کافی و فرصت‌های فرهنگی، اجتماعی کافی ظاهر می‌شود.» (وست وود، مکوند حسینی، شیلاندی، ۱۳۸۱)

«جمعی از مشاوران معتقد هستند که ناتوانی در خواندن هنگامی رخ می‌دهد که مهارت خواندن یا توانایی عمومی خواندن فرد به طور بارزی که با توجه به توانایی‌های هوش‌اش پیش‌بینی می‌شود کمتر بوده و پذیرفته شده باشد که سایر شرایط معلولیت‌ساز با تأثیرات محیطی در آن نقشی نداشته‌اند. چنانچه فقط ناتوانی در خواندن به صورت ضعف عمومی در مهارت‌های زبان باشد می‌توان آن را به عنوان ناتوانی در خواندن با اسامی زبانی قلمداد کرد.» (حبیبی از مشاوران، ۱۳۸۲)

کودکانی که دچار ناتوانی یادگیری در خواندن هستند مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری رشدی در زمینه‌های توجه، حافظه و ادراک شنیداری می‌باشند. گاهی این قبیل کودکان در گوش دادن، نگاه کردن، حرکت چشم و توجه کردن با مشکلاتی مواجه هستند، بسیاری از کودکان با ناتوانی خواندن، قادر نیستند حروف و کلمه‌ها، به ویژه حروف و کلمه‌های مشابه را با چشم تشخیص دهند و دچار مشکلات دیداری هستند. برای مثال تشخیص «برگ از مرگ» یا «کباب از کتاب» مشکل دارند. همچنین عده‌ای از کودکان در تشخیص و ترکیب صداها با مسأله روبرو هستند و در تشخیص صداها مشابه ناتوان می‌باشند. برای مثال برای این قبیل کودکان تشخیص تفاوت شنیداری کلمه‌های «پُر - پَر، نَر - بَر، اَبَر، اَبَر، رَنگ - زَنگ دشوار است. کودکانی که قادر نیستند تصویر حرف خاصی را به یادآورند. با مشکل بازشناسی آن حرف و در نتیجه با مشکل خواندن روبرو می‌شوند. گروهی از این دانش آموزان هنگام خواندن در حفظ توالی و ترتیب حروف در یک کلمه با مشکل روبرو می‌شوند برای مثال به جای «کبریت، کبریت» و به جای «قفسه، قفسه» می‌خوانند. شواهد موجود نشان می‌دهند که ناتوانی در خواندن نزد پسران بیشتر از دختران است به طوری که حدود شصت تا هشتاد درصد افرادی که مبتلا به مشکلات خواندن تشخیص داده شده‌اند، از جنس مذکر هستند... (استادان طرح جامع آموزش خانواده، ۱۳۷۸)

(ب) ناتوانی در هجی کردن: (دیس آر توگرافیا)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

«دانش آموزشی که در خواندن مشکل دارند قادر به خواندن حروف و کلمه‌ها و فهم آنها نیستند و هنگام خواندن آهسته، کلمه به کلمه و بریده بریده می‌خوانند، آن‌ها هنگام خواندن، حروف یا کلمات را حذف یا اضافه می‌کنند.»
(ج ناتوانی در نوشتن: (دیس گرافیا)

«در بیان مهارت‌های تحصیلی پایه، نوشتن، پیچیده‌ترین و عالی‌ترین مهارت است که در دوران تحصیل آشکار می‌شود. کودکی که دچار ناتوانی در نوشتن است، در خواندن نیز مشکل دارد، مشکلات نوشتن به شکلهای نارسا نویسی، سرهم نویسی، بدخطی، شتابان نویسی، وارونه نویسی، جدانویسی، آینه نویسی و نظایر آن ظاهر می‌شود. مشکلات نوشتن امکان دارد ناشی از عدم هماهنگی چشم و دست و اختلال در جهت‌یابی باشد. گاهی اوقات کودکان مبتلا به ناتوانی در نوشتن قادر نیستند مداد را به درستی به دست گیرند و یا مداد را به درستی حرکت دهند. علت آن است که این قبیل کودکان چندین مهارت پیش‌نیاز، مانند مهارت‌های حرکتی ظریف، هماهنگی چشم و دست، فشار آوردن و چرخاندن میچ دست را قبلاً کسب نکرده‌اند. در برخی از موارد عضلات و اعصاب انگشتان و دست کودک به قدر کافی رشد نکرده است. برای مثال برخی از کودکان مداد را بیش از حد محکم یا شل در دست می‌گیرند و یا گروهی مداد را مشت می‌گیرند. بنابراین نخستین گام برای رفع مشکلات نوشتاری آموزش صحیح به دست گرفتن مداد است.»

مشکلات متداول در نوشتن

- ۱ - کج‌نویسی بیش از حد: این گونه مشکلات در نوشتن ممکن است به علت بسیار نزدیک بودن باز و به بدن، بسیار محکم یا شل گرفتن مداد، دور بودن انگشتان از نوک مداد رخ دهد.
- ۲ - راست نویسی بیش از حد: این قبیل مشکلات در نوشتن امکان دارد به علت بسیار دور بودن بازو از بدن، نزدیک بودن انگشتان به نوک مداد و درست نبودن وضعیت کاغذ به وجود آید.
- ۳ - پرفشار یا کم فشار نوشتن: بر اثر فشار آوردن بیش از حد یا کمتر از حد لازم مداد روی کاغذ و یا استفاده از مداد مناسب این گونه مشکلات بروز می‌کند.
- ۴ - ناتوانی در نسخه‌برداری: نسخه‌برداری یا کپی‌برداری از شکلهای هندسی و حروف، مشکل دیگری از نوشتن است. برخی از کودکان هنگام نسخه‌برداری، بخشی را حذف یا اضافه می‌کنند و گاهی اوقات شکلی را بسیار بزرگ و یا کوچک می‌کشند. علتان است که این گونه کودکان از نظر حافظه دیداری مشکل دارند.
- ۵ - وضعیت بدن و سر: وضعیت بدن به طور کلی، به ویژه وضعیت سر و دست هنگام نوشتن عامل دیگری است که در دانش آموزان با ناتوانی در نوشتن باید مورد مطالعه قرار گیرد. برای مثال بارها مشاهده شده است که این گونه دانش آموزان هنگام نوشتن طوری سر خود را پایین می‌آورند که سرشان به کاغذ می‌چسبد و یا کاغذ را بیش از حد کج می‌گذارند.
- ۶ - جدا نویسی و سرهم نویسی: برخی از دانش‌آموزان، حروف و کلمه‌ها با فاصله زیاد از هم و جدا می‌نویسند. درحالی که برخی از کودکان با ناتوانی در نوشتن، حروف و کلمه‌ها را جابجا می‌نویسند و بعضی حروف و کلمه‌ها را سرهم و کاملاً نزدیک به حروف و کلمه‌های دیگر می‌نویسند که خواندن را مشکل می‌سازد. برای مثال کودک کلمه احمد را به صورت «احمد» می‌نویسد.
- ۷ - چپ دستی: امروزه نوشتن با دست چپ امری بهنجار و عادی است و تمام متخصصان بر این باور هستند که باید به کودک اجازه داد تا با دست برتر بنویسد و کارهای خود را با دست برتر انجام دهد.
- ۸ - بد خطی: مسأله بدخطی یا ناخوانانویسی به صورتهای گوناگون دیده می‌شود:
الف) عدم تناسب اندازه یک حرف در کلمه‌ها: برای مثال کودک حرف الف را در یک کلمه کشیده و در کلمه دیگر کوتاه می‌نویسد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ب) لرزش دست در نوشتن: برای مثال کودک تعداد دندانهای حروف سین یا شین را بیشتر یا کمتر می‌نویسد.

ج) آئینه‌نویسی و وارونه نویسی: برای مثال کودک کلمه بابا را به شکل می‌نویسد.

د) ناتوانی در حساب کردن: (دیسکالکولیا)

ریاضیات زبان نمادین است و دانش آموز باید مفاهیم ریاضی مانند عدد، زمان، شکل، فاصله، اندازه و نظم را بیاموزد. آموزش نادرست و ضعیف، روش تدریس نامناسب و عدم استفاده از روشهای عینی، عواملی هستند که موجب ناتوانی یادگیری در حساب می‌گردد. برخی از مشکلات حساب از اختلالهای گوناگون در حافظه و ادراک مفاهیم مانند مفاهیم بزرگ - کوچک، باز - بسته، کوتاه - بلند و تشخیص شکل و اندازه و رنگ ناشی می‌شود. (استادان طرح جامع آموزش خانواده، ۱۳۷۸) به غیر از این طبقه‌بندی، طبقه‌بندی دیگری نیز وجود دارد که ناتوانی‌های یادگیری را به ۶ دسته تقسیم می‌کند:

۱ - ناتوانی‌های یادگیری زبانی: ناتوانی یادگیری زبان گفتاری طیفی وسیع از کودکان را در بر می‌گیرد که معمولاً تحت عناوین فرعی زبان درونی^۱، زبان دریافتی^۲، و زبان بیانی^۳، مورد بحث قرار می‌گیرند.

زبان درونی به زبانی گفته می‌شود که از خود فرد برخاسته باشد و در حد همان درون فرد باقی بماند اما برای برقراری ارتباط به کار آید. این زبان در کار مفهوم‌سازی، تصویر سازی کلمات و هضم مفاهیم به ما بسیار کمک می‌کند و کودکانی که دارای این نوع از ناتوانی هستند، معمولاً از درک معانی واژه‌ها عاجز می‌باشند.

زبان دریافتی عبارت از توانایی درک زبان محاوره‌ای یا شفاهی است. کودک قبلاً به ناتوانی یادگیری زبان دریافتی معمولاً مکالمات روزمره را از نظر فیزیولوژیکی می‌شنود اما آنها را درک نمی‌کند. اختلال یادگیری از این نوع را نیز با نامهایی دیگر چون ناشنوایی کلمه، زبان پریشی دریافتی، زبان پریشی حسی، عدم ادراک شنیداری کلام یاد می‌کنند. زبان بیانی نیز به زبانی اطلاق می‌شود که به وسیله آن می‌توانیم با دیگران به طور شفاهی ارتباط برقرار کنیم و نیازهای خود را اعلام نماییم، تفکراتمان را شرح دهیم، آرزوهایمان را بگوییم و ...

۲ - ناتوانی یادگیری خواندن: ناتوانی یادگیری خواندن مهارتی است که بر خلاف زبان مختص به محیط تحصیلی بوده و تا هنگامی که آموزشهای رسمی و کلاسیک آغاز نشود. تشخیص آن تقریباً ممکن نیست یا به دشواری صورت می‌گیرد. ناتوانی خواندن در واقع عارضه‌ای بسیار شایع است که بخش اعظم کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری را تشکیل می‌دهد. ناتوانی یادگیری مربوط به خواندن می‌تواند بر حسب عوامل اصلی پدید آورنده خود مورد بحث و بررسی قرار گیرند.

۳ - ناتوانی یادگیری نوشتار: نوشتار نیز نوعی زبان بیان است که به فراوانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ناتوانی یادگیری زبان نوشتاری نیز امری است که در سنین آموزشگاهی آشکار می‌شود و تشخیص مبتلایان در سنین پیش‌آموزشگاهی دشوار است. کودک ناتوانی یادگیری زبان نوشتاری معمولاً در زمینه‌هایی متفاوت می‌تواند دچار مشکل شود.

زمینه‌هایی مثل نوشتن با دست، ضعف مهارتهای پیش نیاز نوشتن. ضعف و ناتوانی در شکل دادن به حروف، وارونه نویسی، جدا نویسی، آئینه نویسی، دیکته نویسی و ...

۴ - ناتوانی‌های یادگیری مربوط به ریاضیات: ناتوانی یادگیری ریاضیات فیزیکی دیگر از طبقات اصلی و شایع این اختلال است. مطالعات انجام شده در این زمینه نیز بسیار اندک و ناکافی می‌باشد. دیس کالکولیا^۴ یا ناتوانی یادگیری در ریاضی نیز می‌تواند به اشکالی متفاوت چون تشخیص شکل، اندازه، اعداد، شمارش و محاسبه و اندازه‌گیری و ... نمود پیدا کند.

^۱ Inner language

^۲ receptive language

^۳ expressive language

^۴ Dyscalculia



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۵ - ناتوانی‌های یادگیری اجتماعی - عاطفی: دسته‌ای دیگر از کودکان که با توانی در یادگیری آداب و روابط اجتماعی و نیز کنترل‌های عاطفی چه در بیان و بروز عواطف و چه در پذیرش و تحمل آنها مبتلا هستند. این نوع از ناتوانی‌های یادگیری معمولاً به اشکالی متفاوت چون اتکای مرضی به دیگران تصور نادرست از خود، حواس پرتی، بروز رفتارهای نامناسب، گوشه‌گیری، تحرک بیش از حد، عدم ادراک اجتماعی و ... جلوه می‌کند. ناتوانی‌های یادگیری اجتماعی، عاطفی محوری مهم است که بی توجهی به آن می‌تواند پیامدهای نامناسب شناختی نیز داشته باشد.

۶ - ناتوانی‌های یادگیری ادراکی - حرکتی: آخرین طبقه از ناتوانی یادگیری، ناتوانی ادراکی، حرکتی است، زندگی ما با مهارت‌های ادراکی - حرکتی آمیخته است. مهارت‌هایی که نبود آنها حتی زندگی ما را مورد تهدید قرار می‌دهد. این نوع مهارت‌ها نیز می‌بایستی همانند خواندن و نوشتن آموخته شوند. بنابراین آنچه که گفتیم طبیعی است که درصدی از کودکان و نوجوانان در یادگیری مهارت‌های یادشده در بالا دچار مشکل اساسی باشند. زمینه‌هایی که معمولاً بیش از بقیه در این حیطه می‌توانند مطرح گردند. شامل کاستی‌های ادراک دیداری تشخیص شکل و زمینه، ارتباط‌های فضایی، هم‌آمیزی دیداری- حرکتی، ادراکی شکل، تمیز شنوایی، حافظه‌شنیداری، کاستی‌های حرکتی نداشتن تعادل ایستا و پویا، ضعف در مهارت‌های حرکتی ظریف یادداشت و ... می‌باشد (حاج بابایی و دهقانی، ۱۳۷۲)

طبقه‌بندی دیگری که از ناتوانی‌های یادگیری شده است به قرار زیر است:

۱ - مشکلات در سخن گفتن: در سخن گفتن تکامل یافته در کودک سه مرحله صورت می‌گیرد:

(الف) توانایی دریافت اصوات مختلف از طریق سیستم شنوایی

(ب) تعبیر و تفسیر اصواب منتقل شده از طریق گوش توسط مغز

(ج) پس از تعبیر و تفسیر اصوات دستگاه تکلمی از طریق مرکز عصبی توانایی ابراز عکس‌العمل در قالب بیان و گفتار را داشته باشد. بر این اساس اگر در هر یک از مراحل فوق مشکلی به وجود آید موجب بروز اختلال در سخن گفتن می‌گردد که در اینجا به برخی از مشکلات سخن گفتن اشاره می‌شود:

الف - تأخیر در تکلم: تأخیر در تکلم ناشی از دو علت است. یکی در اثر کری که فرد اصوات را نمی‌شنود به همین دلیل در بیان و واکنش به صدا نیز عاجز است. علت دوم ناشی از اختلالات عاطفی می‌باشد که در این صورت فرد قادر به تکلم نمی‌باشد. اختلال حاصله به هیچ وجه جنبه عضوی ندارد.

ب - آنارنی یا مشکلات در ساختن کلمه: حالتی است که در آن فرد صدا را شنیده ولی از تعبیر و تفسیر آن عاجز می‌باشد و یا حتی ممکن است برای خود تعبیر و تفسیر نمایند اما از بیان واکنش شفاهی عاجز باشد. اصطلاح دیسفازی^۱ را معمولاً در مورد این کودکان به کار می‌برند.

از علل آفازی می‌توان عوامل مادرزادی، ضایعات رگ‌های خونی و حالت آنسفالیت را نام برد.

ج - لکنت زبان: به طور کلی هر فردی که از نظر تکلم طبیعی باشد در ادای کلمات و همچنین زمانی که صرف آن می‌کند دارای نظم و آهنگ خاصی است. حال اگر فردی باشد که این ریتم و نظم از کنترل او خارج شود لکنت زبان دارد. لکنت زبان به دو دسته تقسیم می‌شود.

• لکنت زبان در مورد تکرار یک سیلاب خاص.

• لکنت زبان در مورد تلفظ یک کلمه که در آن فرد تلاش می‌کند تا کلمه مربوط را بیان نماید.

د - ناتوانی در باز پدید آوری هجاها: رایج‌ترین این حالات عبارتند از:

^۱ Dy phasia



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- حذف بخش آخر کلمه مثل کلمه هنو به جای هنوز
- وارونه کردن کلمات مثلاً بقشاب به جای بشقاب
- تغییر دادن گروه‌های صداها مثل هل کوفته به جای هلیکوپتر

اختلالات فوق ممکن است هر سه در یک فرد وجود داشته باشد. که این اختلالات در سنین ۳ یا ۴ سالگی بسیار زیاد است.

۲ - مشکلات در نوشتن: مهم‌ترین مشکلات کودکان در نوشتن عبارتست از نارسانویسی^۱ و چپ‌دستی^۲ (الف) نارسانویسی: در این اختلال فرد علی‌رغم هوش طبیعی بسیار بد می‌نویسد و این قبیل کودکان ممکن است ناتوان از انجام اعمال حرکتی در نوشتن حروف و اشکال باشند و در مواردی نیز در اثر ضعیف بودن کارکردهای بینایی از تبدیل اطلاعات بینایی خود به صورت اعمال حرکتی می‌باشند.

(ب) چپ‌دستی: چپ دستی عبارتست از تمایل طبیعی فرد در نوشتن با دست چپ، کودک چپ دست در نوشتن از چپ به راست مشکل چندانی ندارد ولی هنگامی که بخواهد از راست به چپ بنویسد با مشکل روبرو می‌شود. چنین فردی به علت نداشتن دید کافی در آنچه که می‌نویسد به صورت بدخط و نامرتب می‌نویسد.

۳ - مشکلات در توانایی‌های بینایی و شنوایی: مهم‌ترین این اختلالات عبارتند از:

(الف) کوری کلمه: کوری کلمه اختلالی است که در آن کودک علی‌رغم سلامت در بینایی و هوش طبیعی ناتوان از خواندن می‌باشد. افراد مبتلا به کوری کلمه دچار نقص در خواندن هستند که به صورت نامنظم، منقطع، کج و فاصله‌دار می‌باشد. افراد مبتلا به کوری کلمه قادر به بیان اهداف و مقاصد خویش از طریق نوشتن به سهولت و روانی نمی‌باشند.

(ب) آگنوزیای شنوایی^۳: این گروه از کودکان علی‌رغم سلامت سیستم شنوایی در تشخیص حروف و واژه‌های متشابه دچار اشکال می‌باشند. این عارضه در تشخیص صداها مربوط به گفتار شدیدتر می‌باشد. مثلاً اگر لیستی از حروف یا کلمات مشابه را برای کودک بخوانیم و از کودک بخواهیم که تفاوت آنها را بیان دارد از این کار عاجز خواهد بود. برای تشخیص این اختلال می‌توان چشمان کودک را بسته و از او خواست تا صداهایی مانند عطسه کردن، سرفه کردن و ... را تکرار کرده و آن را تقلید نمایند.

۴ - مشکلات در خواندن: کودکانی نارسا خوان گفته می‌شوند که در خواندن ناتوان هستند و به عبارت دیگر بعلت وجود برخی مشکلات معمولاً دیرتر و بدتر از کودکان عادی به درست خواندن دست پیدا می‌کنند و در برخی موارد ممکن است تا سالها فرد دچار اختلال در خواندن که همراه با اشتباهات فراوان است باشد. افراد نارسا خوان معمولاً از هوش طبیعی برخوردار می‌باشند. البته آموزش، کودکان با مشکلات خواندن روبرو هستند لکن نمی‌توان آنان را نارساخوان تلقی نمود بلکه باید مدت ۱ تا ۲ سال از آموزش آنها گذشته باشد و در صورت تداوم مشکلات مربوط به نارساخوانی می‌توان آنان را در گروه مبتلایان به این اختلال فرض کرد.

کودکان نارساخوان عمدتاً مشکلاتی در مسائل مربوط به هماهنگی‌های حرکتی، بینایی و ادراک کلی دارند.

به طور خلاصه مشکلات افراد نارساخوان به شرح زیر می‌باشد.

اشتباه در مورد حروفی که شبیه یکدیگر می‌باشند مانند ج و چ

وارونه خوانی مثل خواندن کلمه زور به جای روز

حذف یا جمع کردن یک واژه ونیز جابجایی حروف و هجاها

ناتوانی در ادراک ارزش بیانی واژه‌ها و ادراک جزء از کل

^۱ Dysgraphia

^۲ left handed

^۳ Auditory Agnosia



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- بی میلی در خواندن

۵ - ناتوانی در ریاضیات: این اختلال عبارتست از عدم توانایی در انجام اعمال ریاضی البته دانش آموزانی که دچار سایر ناتوانیهای یادگیری هستند. الزاماً دچار اختلال در اعمال ریاضی نیستند. لکن تعدادی از دانش آموزان معمولاً عدم مهارت در انجام ریاضی دچار دشواریهای تحصیلی می‌شوند. (کرمی نوری و مرادی، ۱۳۷۷)

علل ناتوانی‌های یادگیری:

یادگیری یک فرایند پیچیده است و مشکلات یادگیری متنوع و گوناگون هستند. عوامل متعددی بر یادگیری دانش آموزان تأثیر می‌گذارند. از این رو بسیار دشوار است به والدینی که سؤال می‌کنند: مشکل بچه من چیست؟ یا علت مشکل یادگیری فرزند من کدام است؟ یک پاسخ ساده داد.

عوامل متعددی در پدیدآیی ناتوانی‌های یادگیری دخالت دارند، مانند عوامل زیستی و عصب شناختی، آسیب‌های مغزی پیش از تولد، هنگام تولد و پس از تولد، عوامل ارثی، بیماری‌های جسمانی، عوامل شخصیتی و انگیزشی، عوامل آموزشی و فرهنگی، محرومیت‌های محیطی و خانوادگی، عدم بهداشت و سوء تغذیه، روش‌های تدریس و الگوهای یادگیری نامناسب و نظایر آن. بدیهی است تشخیص دقیق علل ناتوانی‌های یادگیری امر دشواری است، بنابراین مشکل هر دانش آموز باید به عنوان یک مشکل منحصر به فرد تلقی شود و به طور جداگانه بررسی شود. (استادان طرح جامع آموزش خانواده، ۱۳۷۸)

نتیجه گیری نهایی

در نتیجه، برای کودکان دارای اختلال یادگیری، برنامه‌های آموزشی مناسب و تنظیم شده بسیار مهم است. روش‌های آموزشی موثر برای این کودکان شامل استفاده از تکنیک‌های چند حسی، استفاده از بازخورد مثبت، تقویت مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی، استفاده از روش‌های یادگیری تجربی و عملی، و تنظیم برنامه‌های آموزشی شخصی شده برای هر کودک به صورت جداگانه می‌باشد. در نهایت، این مقاله به این نتیجه رسید که با توجه به نیازهای آموزشی و یادگیری خاص هر کودک، برنامه‌های آموزشی مناسب و تنظیم شده بسیار مهم و ضروری است.

منابع و مآخذ

۱. افروز، غلامعلی، مقدمه‌ای بر روانشناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۲.
۲. اچ، ایلوارد، الیزابت وار. براون. فرانک، تشخیص و ساماندهی ناتوانیهای یادگیری، ترجمه رضا برادری، تهران، انتشارات سازمان آموزش و پرورش استثنایی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۳. استادان طرح جامع آموزش خانواده، خانواده و فرزندان در دوره ابتدایی، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، چاپ هشتم، ۱۳۷۸.
۴. جمعی از مشاوران، ناتوانی‌های یادگیری، یزد، انتشارات سازمان آموزش و پرورش استثنایی، ۱۳۸۲.
۵. حاج بابایی، مرتضی و دهقانی هشتجین، یاور، آشنایی باویژگیها و مسائل کودکان استثنایی، تهران، نشرایران، ۱۳۷۲.
۶. دورکین، بل، اچ، مشکلات و رفتاری دانش آموزان، ترجمه پرویز صالحی، تهران، نشر بشری، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۷. شریفی درآمدی، پرویز، روانشناسی کودکان استثنایی، تهران، نشر روانسنجی، چاپ اول، جلد ۲، ۱۳۸۱.
۸. علیزاده، حمید، نشریه تعلیم و تربیت استثنایی، تهران، انتشارات سازمان آموزش و پرورش استثنایی، شماره ۱۰ و ۱۱، خرداد و تیر ۱۳۸۱.
۹. فرقانی رئیسی، شهلا، شناخت مشکلات رفتاری در کودکان و نوجوانان، تهران، انتشارات وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول، ۱۳۷۲.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱۰. کرمی نوری، رضا و مرادی، علیرضا، روان شناسی تربیتی، تهران، نشر ایران، ۱۳۷۷
۱۱. کریمی، یوسف، اختلالات یادگیری، تهران، نشر ساوالان، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۲. نیلسن، براتلند، کودک استثنایی در مدرسه عادی، ترجمه غلامعلی افروز و محمود میرنوب، تهران، نشر نوادر، ۱۳۷۹.
۱۳. نیکولاس، کریستوفر جی، نشریه تعلیم و تربیت استثنایی، ترجمه ابوالفضل عطاران، تهران، انتشارات سازمان آموزش و پرورش استثنایی، شماره ۲۰ و ۲۱، مرداد و شهریور ۱۳۸۲.